



### حافظ

دل خرابی می‌کند، دلدار را آگه کنیبد  
زینهار ای دوستان جان من و جان شما

### صفحه آخر

همشهری: www.hamshahronline.ir  
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریبی، شماره ۱۴  
کدپستی: ۱۹۶۶۶-۲۵۹۵۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۴  
تلفن: ۲۲۰۳۳۰۰۰، ۲۲۰۳۳۰۰۰، ۲۲۰۴۶۰۶۷

پدربزرگ آگهی: ۸۳۲۲۱۰۰۰ | توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروزیون | تلفن: ۹۱۲۰۴۱۴۲  
چاپ: همشهری | تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

- گزارش:**  
مدیرمسئودمیر  
دیروزفاطمه‌عسگری‌نیا  
۳۴(سینماو تلویزیون):  
مدیرمسئودمیر  
دیروزعلیرضامحمودی  
**روز هفتم:**  
دیروزمیرم باقریور  
**صفحه آخر:**  
دیروز جواد نصرتی
- تدریس:**  
مدیرتربیتی محمدی  
دیروزمیرم سرخوش  
**سرخ:**  
مدیرجواد عزیزتی  
دیروزمحمد عسگری  
**دانشگاه:**  
مدیرمسئودمیر  
دیروزسازان شادمان  
دیروززهرا حاجتی  
**سرمزمن:**  
مدیرمسئودمیر  
دیروزمحمد بابریکانی  
**فرهنگ شهر:**  
دیروزعلی ترابی
- سیاسی و دیپلماتیک:**  
مدیرمسئودمیر  
دیروزحسین ارجلو  
**شورنگار:**  
مدیرمسئودمیر  
دیروزسیدمیرادین  
دیروزفهمیده طباطبایی  
**اقتصاد:**  
مدیرمسئودمیر  
دیروزمحمد موسی‌پور  
**تماشاکو:**  
مدیرمسئودمیر  
دیروزمحمد یعقوب‌پور  
دیروزلیلی خرسند  
**ایران‌شهر:**  
دیروززهرا عباسی
- صاحب امتیاز:**  
مؤسسه همشهری  
مدیرمسئودمیر  
دیروزسیدمیر  
دیروزسیدمیر  
دیروزتحریریه: مهدی علی‌پور  
مدیرمسئودمیر  
دیروزفرهنگی: علی عمادی  
شاهین امین، حامد فوقانی  
پروانه بیروان‌زاد  
مدیرفنی: حامد یزدانی  
مدیرهنری: مهدی سلامی  
مدیرعکس: امیر پناه‌پور
- طرح و گرافیک:**  
دیروزمحمدعلی حلیمی

### خوش خبر

### درس عاشقی



معلم که می‌شوید، دیگر عشق به تدریس و دانش‌آموزان شما را رها نمی‌کند؛ شاید برای همین معلمی را شغل انبیاء معرفی کرده‌اند؛ روایت امروز ما درباره معلم پایه ششم ابتدایی دبستان دخترانه شهید نجفیان شهرستان نجف‌آباد، زهرا کافلی موسوی است که با وجود ابتلا به بیماری سرطان، در تمام مدت با شور و شوقی وصف‌ناشدنی در کلاس درس حضور پیدا کرده و به دانش‌آموزانش درس عشق و محبت داده است. او روزهای شیمی درمانی‌اش را روزهای چهارشنبه انتخاب می‌کرده و به دانش‌آموزانش در کلاس درس حاضر شده؛ برای همین با گپ‌زدن‌های خودمانی با دانش‌آموزان و خوش و بیش کردن‌های گاه و بیگاه، نمی‌گذشت آنها بفرمند آموزش کارشان بیمار است. او که ۲۹ سال سابقه تدریس در آموزش و پرورش را دارد و اکنون بعد از پیگیری درمان، سلامتی‌اش را به دست آورده است، می‌گوید: «دوست نداشتیم این مسیر را با بیماری به پایان برسانم». بعد هم عشق به بچه‌ها و کار کردن به آدم روحیه می‌دهد. ما نیز برای این معلم سختکوش و مقاوم بهترین‌ها را آرزو داریم.

### شروع دوباره



«حسین. پ.» مصداقی از موفقیت یک تصمیم قضایی است که از چند سال قبل در ایران اجرا می‌شود. تصمیمی به نام زندانی رای باز که به بعضی از زندانیان اجازه می‌دهد تا با رعایت برخی محدودیت‌ها بیرون از زندان، زندگی‌شان را سر و سامان دهند. او با رای باز از زندان آزاد شد و با هر سختی که بود کارخانه بزرگ ظروف فلون راه انداخت. اما جالب آنجاست که این مددجو به دلیل ورشکستگی و بدهی مالی به زندان افتاده بود و تصمیم گرفت دوباره شروع کند. کار و بار کارخانه این زندانی رای باز حسابی گرفته و علاوه بر پرداخت تدریجی بدهی‌ها و جلب رضایت شاکیان، مددجویان با رای باز را هم در کارخانه‌اش استخدام کرده است و خلاصه این کارخانه روی دست زندانیان با رای باز می‌چرخد. نکته مهم ماجرا اینجاست که بنیاد تعاون زندانیان استان تهران در راه‌اندازی کارخانه، حسابی به حسین افاق کمک کرده است. بد نیست بدانید که احکام رای باز موجب می‌شود زندانی در ایام حبس، ضمن فراگیری یک حرفه، با اشتغال در کارگاه‌های طرف قرارداد، معاش خانواده را تأمین کند و برای جلب رضایت شاکیان هم فرصت داشته باشد.

### کارگاهی با کارکنان خاص



این خبر از یک کارگاه خاص است؛ کارگاهی که یک بانوی دهه شصتی آن را به راه انداخته است؛ بانوی کارمندی که سال ۹۳ کار اداری را رها کرد و یک مرکز صنایع چرم تحت نظر بهزیستی را افتتاح کرد؛ مرکز که امیدی شد برای ۵۰ فرد با معلولیت ذهنی. کارکنان این کارخانه را معلولان ذهنی خفیف، متوسط و شدید تشکیل می‌دهند که بعد از توان یابی و دوره آموزشی ۶ ماهه جذب کارگاه می‌شوند و معمولاً هر کسی که در این کارگاه جذب شده است دیگر سابقه بستری در بیمارستان را ندارد و حتی درجه معلولیت آنها از شدید به متوسط و از متوسط به خفیف و از خفیف به بهبودی نسبی تغییر می‌کند. این کارگاه در حال حاضر ۳ هزار مشتری ثابت از اقصی نقاط کشور و خارج از مرز دارد و بیشترین مشتریان‌اش نیز از تهران، اربیل و باکو است. در این کارگاه، بیش از ۲۰۰ نوع محصول اعم از کیف پول‌های دستی، سررسید، سابه‌بان خودرو و... با رقمی بیش از ۲ هزار نمونه در روز به دست همین افراد تولید می‌شود که روزی خانواده‌هایشان آنها را سرپا می‌دانستند و باورشان نمی‌شد که بتوانند خرج زندگی را بدهند.

# سالی یک بار آدم را نمی‌کشد!

در روز جهانی بدون رژیم، خودتان را به هر شکلی دوست داشته باشید و هر چه می‌خواهید بخورید



**فاطمه عباسی**  
آدم‌های این دوره و زمانه مثل قدیم چاقی و گل انداختن لب‌ها را نشانه سلامتی و تندرستی نمی‌دانند و همه تلاش‌شان را می‌کنند که لاغر و خوش ترکیب باشند و برای رسیدن به این هدف در دنیایی از رژیم‌های غذایی گوناگون غوطه‌ورند؛ از رژیم فستینگ و پروتئین و خام‌خواری و مدیترانه‌ای گرفته تا رژیم لاغری پاکسازی و رژیم این آدم‌ها که معتقدند هر چیز خوشمزه‌ای چاق‌کننده است. خودشان را از لذت خوردن بسیاری از غذاها و خوراکی‌ها محروم می‌کنند تا مثل مانکن با بهمان بازیگر لاغر باشند و اثری از چربی زیر پوستشان نماند. در مقابل این آدم‌ها همیشه در رژیم، عده‌ای هم هستند که خودشان را با همان ترکیبی که هستند دوست دارند و دور رژیم را یک خط قرمز کشیده‌اند. فرد روز جهانی «بدون رژیم» است. روزی برای پذیرش بدن با تمام اشکال و اندازه‌ها. برای کسانی که یک سال تمام در رژیم به سر برده‌اند و می‌توانند برای یک روز هم که شده، بی‌خیال رژیم شوند و هر



### عکس روز | زیباترین حالت تهران

این روزها، بهار تهران را در آغوش کشیده و هر طرف که سر می‌خوریم، زیباترین حالت تهران جلوه‌گری می‌کند. آسمان هم حتی پاک و تمیز شده و جلوه ابرهای بهاری، سرخیلی‌ها را به آسمان چرخانده. عکس‌ها / همشهری: حامد خورشیدی



عکس‌ها / همشهری: حامد خورشیدی

### چه کنیم سیل ما را نبرد

سیدمرویس طباطبایی‌پور  
آب، این مایه حیات، اگر کم نباشد بی‌بایمان می‌کند و اگر از حد بگذرد ویران‌کننده است. باران‌های بهاری در کشورهای گوناگون از حد گذشته و سداها و شکست‌ها و خلاصه جلوی ما انسان‌ها را بردا و مفرور قدرت‌نمایی می‌کند؛ امارات، برزیل، افغانستان، کنیا، اندونزی و... در کشور ما نیز چنین است؛ طیس، دزفول، چابهار، کنارک، شبستر و... خلاصه در این روزهای بهاری، باران و رود و رودخانه، بی‌تاب شده‌اند و سرچنگ با ما دارند. حالا در چنین شرایطی چه کنیم؟! اگر باران آمانمان را برید چنانچه در برداریم و فرار کنیم تا اول سراسر مالمان برویم؟ توصیه‌های دهگانه زیر، لااقل شما را از آگاهی در روش‌های مواجهه با سیل، نجات خواهد داد.

- پیش از سیل
- به توصیه‌های کارشناسان هواشناسی توجه کنید.
- مسیبل پدیده‌ای کاملاً ناگهانی است، پس آن را جدی بگیرید.
- اگر در منطقه‌ای کم‌ارتفاع ساکن هستید، بلافاصله محل را ترک کنید و به جای مرتفع بروید.
- حین ترک خانه، جریان برق، آب و گاز را قطع و درها را قفل کنید.
- سیل پدیده‌ای ناگهانی است؛ حتی اگر از آب کف خیابان حین بارندگی، رفتاری غیرعادی سرگردید،

- به سرعت محل را ترک کنید.
- اگر برای محل سکونت شما، هشدار آب گرفتگی صادر شده، در محلی مشخص، چند بطری آب معدنی، کنسرو، کمک‌های اولیه، دارو و... قرار دهید تا در صورت نیاز، به سرعت به آنها دسترسی داشته باشید.
- شناسنامه، مدارک، کارت بانکی، کمی پول نقد و... هم باید دم دست باشند.
- درباره محل استقرار حیوانات خانگی خود، قبل از وقوع حادثه، فکری کنید.
- هنگام سیل
- از عبور در آب سیل، دوری کنید حتی اگر تا مع پای شما باشد.
- اگر از ارتفاع آب، حدود ۱۵ سانتی‌متر است یعنی فاجعه! آب با این ارتفاع می‌تواند همه چیز را جابه‌جا کند.
- اگر در محلی صدای وزوز، ترک و جرقه می‌شنوید، به سرعت آنجا را ترک کنید.
- اگر وسیله برقی روشن، سه‌راهی و مواردی از این دست در آب شناور بود، خطر برق‌گرفتگی وجود دارد. حتی به وسایل برقی خیس، دست هم نزنید.
- آب ممکن است عمیق‌تر از آن باشد که به نظر می‌رسد. در زمان سیل، برخی جاها در کف اتاق یا آشپزخانه سرپا می‌کنند و شما را می‌بلعند.

### چهره روز



اورسن ولز  
کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، هنرپیشه آمریکایی (۱۹۱۵-۱۹۸۵)

### نبوغ مهیب



فیلم مرد سوم

سال‌ها پیش منتقدی قدیمی در مطالبی درباره «همشهری کین»، در توصیف اورسن ولز از ترکیب جالب توجه «نبوغ مهیب» استفاده کرده بود. این شاید موجزترین توصیف برای سینماگری باشد که در جوانی و با فیلم اولش نهایت توجه ممکنه از سوی نخبگان را به سوی خود جلب کرد و با نبوغش احترام و اعتبار خرید ولی شکست تجاری فیلم ستایش شده‌اش، او را یک عمر در بهر دست‌اندوختها کرد. آنچه ولز در مصاحبه‌ای درباره شرایط تولید «همشهری کین» گفت، همه آن چیزی است که او در سال‌های بعد از داشتنش محروم بود: «هیچ کس سر صحنه نمی‌آمد هیچ کس به رایش نگاه نمی‌کرد. هیچ کس اشما فقط فیلم را می‌ساختید و همین اگر من با آنها چنین شرطی نگذاشته بودم، آنها با توجه به ماهیت فیلمنامه جلوی من را می‌گرفتند. اما شرایط من آن موقع دلخواه بود و از آن زمان به بعد هم هیچ گاه بر این تکرار نشد. خوب، آن موفقیت هم دیگر نصیب نشد. چیزی که مرا ضایع کرد، لذت بردن از آن نوع آزادی‌ای است که فقط یکبار در زندگی نصیب شد و هیچ‌گاه دیگر قادر به تکرارش نشدم». ولز در سال‌های بعد به سختی فیلم ساخت. فیلم‌هایش بارها در مرحله فیلمبرداری متوقف شد یا در تدوین توسط تهیه‌کنندگان نابود شد. «خانواده اشرافی امبرسون» فیلمی که ولز بعد از «همشهری کین» کارگردانی کرد، در مونتاژ تغییرات گسترده‌ای دید و سکانس‌های زیادی از آن حذف شد. «جانویی از شانگهای» به مشکلات مشابهی برخورد و در اقتباس‌های جاه طلبانه‌اش از شکستبر مجبور شد با بودجه کم و توقف در فیلمبرداری کنار بیاید. ولز برای به سرانجام رساندن پروژه‌هایش در فیلم‌های کارگردان‌های دیگر بازی کرد و سایه حضورش گاهی سنگین‌تر از کارگردانی بود که برایش جلوی دوربین می‌رفت؛ حتی اگر آن کارگردان کارول رید بود؛ چنان‌که هنوز هم منتقدان سهمی فراتر از یک بازیگر برای ولز در فیلم «مرد سوم» (کارول رید) قائل هستند. در دهه هشتاد میلادی وقتی از دنیا رفت که همه او را با نخستین ساخته‌اش، به یاد می‌آوردند، با «همشهری کین» که بیش از نیم قرن به عنوان بهترین فیلم تاریخ سینما شناخته می‌شود، نشانه‌های نبوغ مهیبش اما در فیلم‌های دیگرش هم نمایان است و شاید بیشتر از همه در «تشنای از شر». شاهکاری که حشش مسلماً بیشتر از بردن جایزه بهترین فیلم جشنواره بر و کسل بود.

